او دستاویزم بیت نومیدم مباش که مردان باد نومیش ناگه یک خروش بغزل رسید باند خطبه عبد از اسم رحیم چه حاجت
که حشمت فاقه و محتاج بالمقدار عقد و خود دهند و دو در تدارک خلل و نقل فقیران و مسکینان بقدر طاقت و قوت معنی یاد اگر بنا
شوانند بیاسای مردی و اگر آن نیز از دست نیاید عاجز نیاز و تسلیه خاطر ایشان و اظهار حزن و ملال بر وجهی که گویا دران فرو دی
و احتیاج مساهم و مشارک ایشان و از اولیا و بزرگان و پیش مثل این شفقتها منقولست شبلی از شبهای زمستان جمعی از
اصحاب سلطان ابراهیم ادهم قدس سره در بیابانی بخانه فرود آمدند که در داشت بادی سرد بر ایشان میوزید سلطان بیامد بر ایشان گذر
بایستاد و با ماهی بیامای چون تیر سینه بشکاف از جعد خانه قوس می آمد بدل قبول سینه و سینه سپر بلای یاران کرده تا روز بدان بایستاد
مشغول بود و مضمون ارحم ترحم لیلیت برا که هر کس تخم رحمت کار بر بر رحمت بر دارد بیت اگر تو خلق بخشایش است رزق
لطف و کرم بر بندگان بخشایی اشارة هفتم در جمع این اسم سه اسم با یکدیگر دانکه در باب اشتمام این سه کو هر شاهوار در سلک حضرت
مدقق از حقایق و دقایق بسیار است از جمله اسماء الهی بتقسیم اولی بر دو قسم اند ذاتیه و صفاتیه و باز اسماء صفات بر دو قسم
انقسام می یابد خاص علم این اسم ذات و صفات در تسمیه نکو شد اسمی یکی از صفات خاص و لیف او ساخت دیگری از صفات
بر صفت عام دلالت میکند و در اشتقاق با صفت خاص شابهتی داشت ایراد نمود تا بسبب جامع اتم اسم مثلثه باشد و هم ارشاد
علما و دین ملت که چون رب العالمین حضرت رسالت منقبت را صلوات الله و سلامه علیه مبعوث کرد اهل و زمان عالی شان
او سر کرده بود بت پرستان و جهودان و ترسایان اما مشرکان از ماهای پروردگار تمید نشدند و بس این نام میان ایشان
شهرت داشت چنانچه فرموده و کیفون الله از ان خبر میدهد و جهود رحمن را که قول العقبی الله ایشان رحمن کجا اهمیت بود و میفرماید
و این نام در توریت بسیار جای ذکر بوده درین باب کلام ابن سلام گذشت و انصاری بر ذکر رحیم که شعبه اشتمال بر اسماء سیما
بوی ملوع بود بذیل پسند ایشان جریان داشت چنانچه از سبحانه و تعالی این سه کرد در الصراط المستقیم دعوت میکرد و این
نام در میان ایشان معروف بود لاجرم بر وفق دانش و فهم آن طایفه عین سه نام را و ابتدا کلام آورد تا هر قوم بحکم کل
بما لدیهم فرحون از اسماء الهی که مطلب ایشان بوده بشد بهره مند شده سبل استماع قرآن نمایند و شاید که میل
بجانب این اسلام کشد و گشاده خدا را سه هزار هست هزار حاضر ملایکه مقربین و هزار مخصوص بیاسرین و مقصد و ذوه هشتاد
از ان اهم یکی نیست که حتی تعالی از برای خود برگزیده و هیچ ملک مقرب و نبی مرسل را بدان اطلاع نداده و این اسم مخزون
و مکنون گویند و از بحکم که حضرات اعلا و سیما اسم در توریة نه کو است و سیصد در زبور و سیصد در انجیل نود و نه
و در قرآن و حدیث رحمن نیست حضرت رسول صلعم بهترین بندگان و عنایت الهی و حمایت نبوت پناهی شامل حال ایشان بود
این سه هزار اسم در اسم که بسلوک بران مشتمل است و دیعت نهاده و بر هر از ایشان هزار اسم اشتمال ارد و از زبان
تا هر بنده که این اسم بخواند و حقایق آن را بداند چنان باشد که تمامی اسماء خوانده باشد و دانسته و باز آن نود و نه اسم
مخصوص این امت است بنه قسم گشته سی مرتبه تعلق بمعنی الوهیت دارد و دو اسم انه و اهلیت سی سه دلیلست بر رحمت

ذاتیه

ذاتیه و معنی رحمن همه را شاملست و سه سه دیگر دلالت بر رحمت بیچون دارد و اسم الرحیم جامع گشت و عرضه تفاصیل از
اسم از ان بحالی پدید حاصل گردد فایده انضمام این سه اسم آنست که قاری آخر بسیع و صفات حضرت باری بهره مند گردد
بیت پیاده زمر کشته تو شد دهند شش هر زمنی خوشه دکفته اند که بنده را سه طاقت اول گوید دم بوسیلت حاجت
دوم آنکه مست باشد باسباب لقا حاجت دارد سیم آنکه بوسکه و قیامت عاطر شود و مغفرت محتاج خواهد بود و از این هر سه حال پیش
ساسم مندرجست ای بنده ماته است لعل کن که ترا چگونه از کتم عدم بخیر وجود آورد و رحمن دست بیکر و بچگونه اسباب زندگانی
مهیا کرد و رحیم دست باش فرد بینی که ترا در پناه عنایت آورد و پرده مغفرت بر روی گناهان تو فرو گذارد ای فرزند آدم
بر چه فتاجی از نقش بر دشش امر شش منی تا شد است با فرنیش در اینا القدرت الله خالق کل شیء معصوم
چون دلیلست بر دانش بدو دانست و ان ربکم الرحمن مضمون رحیم خبر دهنده است با مر شش اشتمال بر حمت
یبقی عبادی انی انا الغفور الرحیم ای آدمی ترا سابقه ایست و حالی خاتمه است بدان وجود و سابق چون هست
بتیمم اسباب سیات در حال رحمت بوجه حسن و عاقبت و بشارت بیمنی گشاده نظم بهرات هستی عهد ازل
بتوقیع کرم کردی تسجیل مرکب بخشش مر خرده داری کلید گنج ایمان نیز داری چه حسنه را چو خود بخشید نور حسن حمید
خود از حسن دور در کشف الاسرار آورده که نامهای الهی بسیار و صفتهای ربانی بیشمار بود فریق او همه بندگان را دیگر بود
پس تی تعالی و تقدس بکمال رحمت خواست که کار بر ایشان آسان کرداند بی آنکه از ثواب ایشان را چیزی بکاهد معلوم
دانسته بود که ایشان طاقت دیگر و قوت حفظ آن ندارند و اگر بعضی بمانند و حسرت باقی بماند پس معانی صدر این سه اسم
تعبیه کرده و معانی اسماء ربانی قسمت قسمتی مال اهل بهشت و قسمتی مثل بر نعمت و رحمت و قسمی مع رحمت بمغفرت هر چه
تعلق بهشت داشت در اسم الله درج فرموده و آنچه متعلق بجنت بود در اسم الرحمن و وعیت نهاده و هر چه تقضای جنت میکرد
در نام رحیم مندرج ساخت تا چون برین سه اسم خبر آیاد دهند چنان شد که بعید نمیماند و گرده باشند و گشاده جمع این اسم
بر مثل حال بندگانست و ایشان سه طایفه اند فمنهم ظالم لنفسه و منهم مقتصد و منهم سابق بالخیرات هر
از ین گروه را از سی بحر مندیکر و اند کانه میکرد اند که ظالم را توجه بدرگاه من امید مغفرتست رحمن و مقتصد از امید
من امید مغفرتست و رحیم و منهم مقتصد سابقه از مد و فضل من وعده اقاله و هیبت اسم از ظالم را کرچان امید کرد شیر اسم منتظر
آورد و رحمت حمایه مقتصد را از جنایات زوایای مناجات بخلوت خانه اسرار آورد و رحمت جنیه سابق را از خمول آباد خلوت
بر سر هزار افلاک آورده و ظالم را نیست الویت از ان و مقتصد از رحمت است تا فی بحصول نجات درجات از ان و سابق تجلی
رحمت قربیه از هر چه رحمت بهره دست کریزان در بینی اشق و زبان خرت متعلق بیت کر دنیی و آخرت پاینده کین هر دو
دست بگذار ما یوسف خود نمی فروشیم تسلیم سیاه دکه دار بدا کر آدمی را تقلیت و نفسی و رحمی نفس الهوی رزق
و حسالست و دل تمنای صوفت و امیالست روح را و دیعه رحمت و رضوان است و هر یک از ینها بحسب این اسما حظ خود

Copyright Oxford University

Created with PDFsharp 1.2.1269-g (www.pdfsharp.com)